

فصلنامه علمی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره شصت و ششم، پاییز ۱۴۰۱: ۷۵-۵۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷

نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل بازتاب آسیب‌های ناشی از حوادث و بلایای طبیعی در متون فارسی تا قرن هشتم هجری

* مهدی نجفی

** نجمه دری

*** ابراهیم خدایار

چکیده

آسیب‌های ناشی از حوادث و بلایای طبیعی و نوع واکنش جوامع در برابر آنها، در آثار مکتوب گذشتگان، به اشکال مختلف بازتاب یافته است. این مطالعه بر آن است دریابد در متون فارسی تا قرن هشتم، به این آسیب‌ها و نوع واکنش جوامع برای مدیریت آنها، به چه میزان و چگونه توجه شده است. پژوهش حاضر، مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی از نوع تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلفیقی است. از بین مخاطرات شایع، چهار مخاطره طبیعی زلزله، سیل، خشکسالی و برف و سرمای شدید در نظر گرفته شد. از بین متون فارسی منتخب، با نمونه‌گیری هدفمند، مجموعاً ۹۳ نمونه منظوم و ۵۲ نمونه منثور انتخاب و بررسی شد. بر اساس یافته‌های پژوهش، بیشترین آسیب‌های ناشی از حوادث و بلایا که در متون منتخب فارسی به آنها اشاره شده است؛ از نوع آسیب‌های اقتصادی است (۴۵ درصد). همچنین، بیشترین توجهی که به اقدامات مربوط به مدیریت آسیب‌های ناشی از حوادث و بلایا در متون منتخب فارسی تا قرن هشتم شده است؛ معطوف به مرحله پاسخ است (۵۲ درصد). به نظر می‌رسد رویکرد پاسخ‌محور جامعه ما به حوادث و بلایای طبیعی، ریشه در ذهنیتی تاریخی دارد که در متون فارسی تا قرن

* نویسنده مسئول: استادیار گروه امداد و نجات، مؤسسه آموزش عالی هلال ایران، ایران، najafirc@gmail.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، ایران

*** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، ایران



هشتم، انعکاس یافته است. درک روشمند و عمیق این ذهنیت تاریخی می‌تواند به نظریه‌پردازان در شناخت عمیق‌تر رفتارهای کنونی مردم و مدیران در حوادث و بلایای کشور و تغییر مطلوب آن رفتارها کمک کند.

واژه‌های کلیدی: حوادث، بلایای طبیعی، مخاطرات، متون فارسی، مطالعات بینارشته‌ای.



مقدمه

ایران همواره در معرض مخاطرات مختلف قرار داشته است. دسته‌ای از این مخاطرات از طبیعت منشأ می‌گیرند که به آنها اصطلاحاً مخاطرات طبیعی^(۱) می‌گویند. از این دسته می‌توان به مخاطراتی مانند زلزله، سیل، خشکسالی، برف و سرمای شدید اشاره کرد. مخاطرات طبیعی، تأثیر زیادی بر زندگی مردمان در گذشته داشته است. گاهی زلزله‌های شهری را ویران کرده و گاه، سیلی مردمی را آواره ساخته است. بسیار اتفاق افتاده که خشکسالی مردمی را در رنج افکنده و یا سرمایی شدید، دیاری را زمینگیر کرده است.

شاید بتوان گفت متون ادبی و تاریخی و تا حدودی سایر متون مکتوب، مهمترین بستری هستند که باورها و رفتارهای مردم را در باره موضوعات مختلف، در خود منعکس کرده‌اند. بنابراین انتظار می‌رود بسیاری از باورهای مردم در باره حوادث و بلایای طبیعی و آثار آنها و همچنین نوع رفتار جوامع در مواجهه با آنها، در متون مذکور بازتاب یافته و قابل ردیابی باشد.

در دانش مدیریت بحران، آسیب‌های ناشی از حوادث و بلایا را به سه دسته اصلی آسیب‌های انسانی، آسیب‌های اقتصادی و آسیب‌های زیست‌محیطی تقسیم می‌کنند (دبیرخانه راهبرد بین‌المللی کاهش بلایا، ۱۳۹۲: ۲۲). به علاوه، برای مدیریت این آسیب‌ها، اقداماتی در چهار مرحله پیشگیری و کاهش آثار مخرب بلایا^(۲)، آمادگی^(۳)، پاسخ^(۴) و بازیابی^(۵) انجام می‌شود (جهانگیری، ۱۳۸۸: ۵۱).

در این مقاله برآنیم با استفاده از تعاریف و مفاهیم مربوط به مدیریت بحران، در متون فارسی تا قرن هشتم، آثار حوادث و بلایای طبیعی و رفتار مردم و حاکمان در مواجهه با این حوادث و بلایا را بر اساس آنچه در این متون آمده، تبیین کنیم. به عبارت دیگر، تلاش می‌کنیم به این سؤال اصلی که «آثار حوادث و بلایای طبیعی و مواجهه با آنها در متون فارسی تا قرن هشتم، چگونه بازتاب یافته است؟» از دیدگاه علم مدیریت بحران پاسخ دهیم.

اینکه گذشتگان، در باره آسیب‌های ناشی از حوادث و بلایای طبیعی چه نظری داشتند و در مواجهه با آنها چه می‌کردند؛ می‌تواند ما را در فهم عمیق‌تر رفتارهای کنونی مردم در حوادث و بلایای کشور یاری رساند. بی‌گمان آنچه امروز ما درباره

آسیب‌های ناشی از حوادث و بلایای کشور می‌اندیشیم و انجام می‌دهیم؛ ریشه در نوع باورها و رفتارهایی دارد که بسیاری از آنها در متون مکتوب گذشته ما منعکس شده است. شناخت این نوع باورها و رفتارها که احتمالاً بسیاری از آنها تا روزگار ما نیز ادامه یافته است؛ به مدیران بحران و سایر افراد و نهادهای مربوط، کمک خواهد کرد تا در مواردی که نیاز به مداخله برای تغییر این باورها و رفتارها وجود دارد، با درک درست از ریشه‌های فرهنگی و تاریخی آنها، برای تغییرشان تلاش کنند.

پیشینه پژوهش

درباره شکل و محتوای مطالب مربوط به حوادث و بلایای طبیعی در متون فارسی گذشته، تحقیقات اندکی صورت گرفته است. کسایی (۱۳۷۵) حوادث و رویدادهای طبیعی را در ادبیات منظوم از رودکی تا بهار مطالعه کرده است. چنانکه از عنوان و موضوع این پژوهش پیداست، در این مطالعه، متون نثر فارسی و متون تاریخی، بررسی نشده‌اند. از طرفی این پژوهش، جهت‌گیری مشخصی را نیز دنبال نمی‌کند.

شعبانی و مهرعلی‌تبار (۱۳۹۲) نیز حوادث و بلایای طبیعی مانند سیل، زلزله، خشکسالی، برف و توفان و سرما را از قرن سوم تا هفتم، با استفاده از متون تاریخی بررسی کرده‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، در این مقطع از تاریخ ایران، حوادث و بلایای طبیعی زینبار و مخربی مانند زلزله، سیل، خشکسالی، برف و سرما، و طوفان اتفاق افتاده که پیامدهای ناگواری چون قحطی، شیوع بیماری‌های واگیردار و کاهش جمعیت را در پی داشته است. در این پژوهش به واکنش ضعیف حکومت‌ها برای مدیریت بحران هم اشاره شده که دلیل آن، خوی استبدادی و بیگانگی و ایلیاتی بودن آنها، وضعیت طبیعی ایران و بعد مسافت عنوان شده است.

همچنین بلوری و مختاری (۱۳۹۷) در پژوهشی، بازتاب روحی و روانی بلایای طبیعی را در متون ادبی قرن چهارم تا هشتم هجری مطالعه کرده‌اند. در این پژوهش، ضمن مطالعه تعدادی از متون نظم و نثر ادبی و تاریخی قرن چهارم تا هشتم هجری قمری، سعی شده است بازتاب این وقایع، تا حد امکان نشان داده شده و از حیث سیاسی و اجتماعی بررسی و تحلیل شود. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که شیوه شاعران

و نویسندگان در بازتاب این وقایع یکسان نبوده‌است؛ به گونه‌ای که بیان متون نظم با عواطف بیشتر و متون نثر با تفصیل و جزئیات بیشتری همراه است. آثار روحی و روانی مردم، مرگ و میر و ویرانی شهرها و روستاها، شیوه حاکمیت در برخورد با این بلاها، مباحثی است که در این پژوهش به آنها پرداخته شده‌است.

با وجود این، در جستجویی که انجام دادیم؛ دریافتیم در موضوع مورد پژوهش ما، با این رویکرد، تحقیقی انجام نشده است.

مواد و روش‌ها

این پژوهش، یک مطالعه توصیفی- تحلیلی از نوع تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلفیقی است. در این پژوهش، متون فارسی تا قرن هشتم هجری از لحاظ میزان توجه به آسیب‌های گوناگون حوادث و بلایای طبیعی و همچنین نوع رفتار افراد و جامعه برای مدیریت آنها، بررسی و داده‌ها استخراج شد. دو طبقه اصلی، معیار دسته‌بندی داده‌های استخراج شده قرار گرفت که عبارت‌اند از:

الف- آسیب‌های ناشی از حوادث و بلایای طبیعی (این آسیب‌ها، در سه زیرطبقه انسانی، اقتصادی و زیست‌محیطی دسته‌بندی شدند)

ب- اقدامات افراد و جامعه برای مدیریت آسیب‌های مذکور (این اقدامات در چهار زیرطبقه پیشگیری و کاهش خطر، آمادگی، پاسخ و بازیابی دسته‌بندی شدند)

برای تحلیل محتوا، در متون منظوم، «بیت» و در متون منثور، «جمله»، به عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شد. سپس متون منتخب، مورد مطالعه دقیق قرار گرفت و هر یک از واحدهای تحلیل که مرتبط با طبقات دوگانه پیشگفته بود؛ بررسی شد. پس از گردآوری داده‌ها، اطلاعات در جداول، جایگذاری شد و نهایتاً جمع‌بندی و نتیجه‌گیری صورت گرفت.

جامعه آماری این پژوهش، واحدهای تحلیل مرتبط با حوادث و بلاها در ۴۱ متن فارسی (ادبی، علمی، تاریخی، عرفانی، تفسیر، تذکره و ...) تا قرن هشتم هجری قمری است. این ۴۱ متن شامل ۲۶ متن منظوم و ۱۵ متن منثور هستند. انتخاب این متون به عنوان جامعه آماری پژوهش به صورت هدفمند و بر اساس مشهور بودن اثر یا صاحب اثر صورت گرفت.

برای نمونه‌گیری، ابتدا چهار مخاطره طبیعی زلزله، سیل، خشکسالی و برف و سرمای شدید به دلیل فراوانی وقوع؛ از بین مخاطرات شایع انتخاب شد. از بین متون فارسی منتخب، بر اساس جستجوی کلمات کلیدی مناسب و مرتبط با هر یک از این مخاطرات طبیعی، تمام ابیات مربوط (در متون منظوم) و جملات مربوط (در متون منثور) مورد بررسی قرار گرفت که نهایتاً از بین آنها با نمونه‌گیری هدفمند (که شیوه معمول نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی است و یک نمونه‌گیری غیر احتمالی است که براساس ویژگی‌های جامعه آماری و هدف مطالعه انتخاب می‌شود) مجموعاً از ۴۱ متن مورد بررسی، ۹۳ نمونه منظوم (که برخی مشتمل بر بیش از یک بیت هستند) و ۵۲ نمونه منثور انتخاب شدند.

چگونگی استخراج داده‌ها از متون فارسی منتخب

آنچه در استخراج داده‌ها در رویکرد تحلیل محتوای کیفی اهمیت دارد؛ دست یافتن به ذهنیت مؤلف است. در متون، به ویژه متون ادبی، مؤلف در باره هر موضوعی از جمله مخاطرات طبیعی، ذهنیت خود را می‌تواند به گونه‌های مختلف بیان کند که در زیر به آنها به اختصار اشاره شده است.

مخاطرات طبیعی در معنای واقعی

در این نوع از بیان، مخاطرات طبیعی دقیقاً در معنای واقعی خودشان به کار رفته‌اند. یعنی در متن اگر مثلاً از زلزله یا سیل سخنی به میان می‌آید، دقیقاً منظور همان مخاطره طبیعی است که در متن، از آن یاد شده است. مثلاً در بیت:

از آن زلزله کاسمان را درید / شد آن شهرها در زمین ناپدید
(نظامی گنجوی، ۱۳۶۳: ۲۰)

زلزله، دقیقاً در معنای واقعی خودش به کار رفته است و دلالت بر پدیده‌ای فیزیکی و زمین‌شناختی دارد. در تحلیل این متون برای استخراج داده‌های تحقیق، مستقیماً می‌توان به اطلاعات ارائه شده در متن استناد کرد. به عبارت دیگر مفاهیم به کار رفته در این متون نیاز به تأویل ندارند. مثلاً در بیت بالا، به تخریب شهرها و فرو رفتنشان در زمین اشاره شده است که از آسیب‌های ناشی از زلزله است و به عنوان داده‌ای در این پژوهش استخراج شده است.

مخاطرات طبیعی در مقام تشبیه

در این نوع از بیان، از تشبیه استفاده می‌شود و «مشبه به» یکی از مخاطرات طبیعی است. مثلاً در بیت:

دانی که خراب‌اتیم از زلزله عشقت کم رای خراج آید شه را به خراب اندر
(سنایی، ۱۳۶۲: ۸۸۹)

در اضافه تشبیهی «زلزله عشق»، عشق به زلزله تشبیه شده است. به عبارت دیگر، عشق، «مشبه» و زلزله «مشبه به» است. «وجه شبه» خاصیت خراب‌کنندگی هر دو است. یعنی همان‌گونه که «زلزله بناها را خراب می‌کند»، عشق هم، دل عاشق را به خرابات بدل می‌کند.

در این موارد، از نظر موضوع این پژوهش، آنچه مهم است و داده‌های پژوهش با روش تحلیل کیفی از آن استخراج شده است، «وجه شبه» یعنی خصوصیتی از مخاطره است که در تشبیه، مورد نظر نویسنده یا شاعر بوده است. به عبارت دیگر، در بررسی این موارد، منظور اصلی شاعر یا نویسنده، مورد نظر نیست بلکه آن ویژگی یا موقعیت از مخاطره (وجه شبه) که برای تشبیه استفاده شده است؛ مهم است. به دیگر بیان، زمینه و موضوع سخن در این موارد، ارتباطی به مخاطرات طبیعی به مفهوم واقعی آن ندارد ولی آن خصوصیت از مخاطره طبیعی که در آنها مورد توجه قرار گرفته، بیانگر ذهنیت شاعر یا نویسنده در مورد آن مخاطره است. مثلاً در مصراع اول بیت بالا، ویژگی خراب‌کنندگی به عنوان داده این پژوهش، استخراج شده است. در مصراع دوم این بیت نیز از تشبیهی استفاده شده که می‌توان از آن داده‌ای مرتبط با این پژوهش، استخراج کرد. در این مصراع، شاعر می‌گوید همان‌گونه که شاه از آنان که در خرابه زندگی می‌کنند (زلزله‌زدگان)، مالیات نمی‌گیرد؛ معشوق هم نباید از عاشق که از عشق او درهم شکسته است؛ توقعی داشته باشد. از این تشبیه، می‌توان این داده را استخراج کرد که به نظر شاعر «باید زلزله‌زدگان را از مالیات معاف کرد». به عبارت دیگر، ذهنیت شاعر در باره زلزله و مدیریت آسیب‌های ناشی از آن، باعث شده که او از چنین تشبیهی استفاده کند.

مخاطرات طبیعی در مقام استعاره

در برخی موارد، مخاطرات طبیعی، به عنوان استعاره به کار رفته‌اند. چنانکه می‌دانیم

استعاره، بیان مجازی مبتنی بر تشبیه است که یکی از دو طرف تشبیه (مشبه یا مشبه‌به) ذکر نمی‌شود. در اینجا نیز آنچه مهم است، خصوصیتی از مخاطره است که مورد توجه شاعر یا نویسنده قرار گرفته است و زمینه و موضوع سخن، برای این پژوهش اهمیتی ندارد. مثلاً در بیت:

چون سیل خراب کرد بنیاد دیوار چه کاهگل چه پولاد
(نظامی گنجوی، ۱۳۱۳: ۱۳۱)

سیل استعاره از مرگ است. به نظر شاعر، خاصیت خراب‌کنندگی در سیل آن را مناسب استعاره شدن برای مرگ کرده است. در واقع، همین خاصیت مورد نظر شاعر است که برای این پژوهش به عنوان «داده» استخراج شده است.

بنابراین، از دیدگاه این پژوهش، اینکه منظور اصلی متن از بیان استعارات چیست؛ اهمیتی ندارد. آنچه مهم است آن ویژگی‌ها از مخاطرات است که در متن برای بیان منظور، به عاریه گرفته شده است.
مخاطرات طبیعی در ساختار کنایه

در برخی موارد، از مخاطرات طبیعی در ساختار کنایات استفاده شده است. در این موارد نیز از دیدگاه این پژوهش، زمینه و موضوع سخن اهمیتی ندارد بلکه آنچه مهم است آن ویژگی از مخاطره است که در کنایه، مورد توجه قرار گرفته است. مثلاً در بیت:

من مسکین در این رباط خراب
ساخته خانه بر ره سیلاب
(سنایی غزنوی، ۱۳۸۰: ۹۸)

«خانه بر ره سیلاب ساختن» کنایه از غافل بودن از مرگ و دل در گرو دنیا سپردن است ولی آنچه از دیدگاه مطالعه حوادث و بلایا، از این بیت می‌توان استخراج کرد آن است که «برای پیشگیری از آسیب‌های سیلاب، خانه را نباید در مسیر آن ساخت». به عبارت دیگر، ذهنیت شاعر در باره مخاطره مورد نظر (در اینجا سیل) برای این پژوهش مهم است و نه منظور اصلی او. در بیت بالا، ذهنیت شاعر در باره سیلاب این است که سیلاب خانه‌هایی را که در مسیر آن قرار بگیرند، خراب می‌کند. این ذهنیت در باره سیل موجب شده است که شاعر از آن در ساختار کنایه «خانه بر ره سیلاب ساختن»

استفاده کند. دقیقاً همین ذهنیت شاعر در بارهٔ سیل، به عنوان «داده» در این پژوهش استخراج شده است.

یافته‌ها

بررسی توصیفی حوادث و بلایا در متون منتخب فارسی

در این پژوهش، در متون منظوم و منثور منتخب، به تفکیک، در مورد چهار مخاطرهٔ طبیعی زلزله، سیل، خشکسالی و برف و سرمای شدید، طبقات و زیرطبقات مربوط به هر مخاطره (به شرح زیر)، استخراج شد و سپس بررسی‌های توصیفی صورت گرفت:

- آسیب‌های ناشی از مخاطره (شامل آسیب‌های انسانی، اقتصادی و زیست‌محیطی)
- اقدامات مربوط به مدیریت آسیب‌های ناشی از مخاطره (شامل مراحل پیشگیری و کاهش آثار، آمادگی، پاسخ و بازیابی)

آنچه در زیر می‌آید جمع‌بندی نتایج حاصل از بررسی جداگانه هر یک از چهار مخاطرهٔ منتخب است.

آسیب‌های مورد اشاره ناشی از حوادث و بلاای طبیعی در متون منتخب فارسی تا قرن هشتم بیشترین آسیب‌های ناشی از حوادث و بلایا که در متون منتخب فارسی به آنها اشاره شده است؛ از نوع آسیب‌های اقتصادی است. در رتبهٔ بعدی از این لحاظ، آسیب‌های انسانی قرار گرفته است (جدول ۱).

جدول ۱- فراوانی و درصد نوع آسیب‌های ناشی از حوادث و بلاای طبیعی

در متون منتخب فارسی

نوع آسیب‌ها	فراوانی	درصد
آسیب‌های انسانی	۷۷	۴۱
آسیب‌های اقتصادی	۸۴	۴۵
آسیب‌های زیست‌محیطی	۲۶	۱۴
جمع	۱۸۷	۱۰۰

در بین مخاطرات مورد مطالعه، بیشترین آسیب‌های انسانی و اقتصادی ناشی از حوادث و بلایا که در متون منتخب فارسی به آنها اشاره شده است؛ مربوط به خشکسالی است. بیشترین آسیب زیست‌محیطی هم مربوط به زلزله است (جدول ۲).

جدول ۲- فراوانی و درصد نوع آسیب‌های ناشی از حوادث و بلایای طبیعی در متون منتخب فارسی (به تفکیک نوع مخاطره)

آسیب‌های زیست‌محیطی		آسیب‌های اقتصادی		آسیب‌های انسانی		نوع آسیب‌ها نوع مخاطره
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵۸	۱۵	۲۰	۱۷	۲۲	۱۶	زلزله
۱۹	۵	۲۹	۲۴	۳	۲	سیل
۱۵	۴	۴۰	۳۴	۶۸	۴۸	خشکسالی
۸	۲	۱۱	۹	۷	۵	برف و سرمای شدید
۱۰۰	۲۶	۱۰۰	۸۴	۱۰۰	۷۱	جمع

انواع اقداماتی که برای مدیریت آسیب‌های ناشی از حوادث و بلایای طبیعی، در متون منتخب فارسی تا قرن هشتم به آنها اشاره شده است. بیشترین توجهی که به اقدامات مربوط به مدیریت آسیب‌های ناشی از حوادث و بلایا در متون منتخب فارسی تا قرن هشتم شده است؛ معطوف به مرحله پاسخ است (جدول ۳).

جدول ۳- فراوانی و درصد نوع اقدام در مدیریت آسیب‌های ناشی از حوادث و بلایای طبیعی در متون منتخب فارسی

درصد	فراوانی	نوع اقدام
۱۲	۵	پیشگیری و کاهش آثار مخرب
۲	۱	آمادگی
۵۲	۲۱	پاسخ
۳۴	۱۴	بازیابی
۱۰۰	۴۱	جمع

در بین مخاطرات مورد مطالعه، اقدام بازیابی در مدیریت آسیب‌هایی که در متون منتخب فارسی به آنها اشاره شده است؛ بیشتر مربوط به زلزله است. بیشترین اقدام پاسخ، مربوط به خشکسالی است. در تمام نمونه‌ها فقط در یک مورد به آمادگی اشاره شده است که مربوط به سیل است (جدول ۴).

جدول ۴- فراوانی و درصد نوع اقدام در مدیریت آسیب‌های ناشی از حوادث و
بلاایای طبیعی در متون منتخب فارسی (به تفکیک نوع مخاطره)

بازیابی		پاسخ		آمادگی		پیشگیری و کاهش آثار مخرب		نوع اقدام نوع مخاطره
						فراوانی	درصد	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۸۶	۱۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	زلزله
۱۴	۲	۲۴	۵	۱۰۰	۱	۶۰	۳	سیل
۰	۰	۷۶	۱۶	۰	۰	۴۰	۲	خشکسالی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	برف و سرمای شدید
۱۰۰	۱۴	۱۰۰	۲۱	۱۰۰	۱	۱۰۰	۵	جمع

بررسی تحلیلی موضوعات (تم‌های) مربوط به حوادث و بلایا در متون منتخب فارسی در این بخش، موضوعات (تم‌های) مربوط به حوادث و بلایا که از متون منتخب فارسی استخراج شده‌اند؛ با آوردن نمونه‌هایی از متون مذکور تحلیل شده است.

آسیب‌های ناشی از حوادث و بلاایای طبیعی در متون فارسی
آسیب‌های انسانی و اقتصادی

یکی از نمونه‌های مناسب برای تحلیل آسیب‌های انسانی و اقتصادی در متون منظوم فارسی، قصیده قطران تبریزی، شاعر معروف قرن پنجم در باره زلزله تبریز (واقع شده در سال ۴۳۴ هجری قمری) است. شاعر در ابتدا، تصویر زیبایی از تبریز قبل از زلزله ارائه می‌دهد:

نبود شهر در آفاق خوشتر از تبریز
زناز و نوش همه خلق بود نوشانوش
در او به کام دل خویش هر کسی مشغول
یکی به طاعت ایزد، یکی به خدمت خلق
به ایمنی و به مال و به نیکوی و جمال
ز خلق و مال همه شهر بود مالامال
امیر و بنده و سالار و فاضل و مفضل
یکی به جستن نام و یکی به جستن مال
(قطران تبریزی، ۱۳۶۲: ۲۰۸)

این شهر که به توصیف شاعر، این چنین در ناز و نعمت به سر می‌برد، به ناگاه مواجه با

زلزله می‌شود و چهرهٔ رؤیایی شهر دگرگون می‌گردد:

خدا به مردم تبریز برفکند فنا
 فلک به نعمت تبریز برگماشت زوال
 فراز گشت نشیب و نشیب گشت فراز
 رمال گشت جبال و جبال گشت رمال
 دریده گشت زمین و خمیده گشت درخت
 دمنده گشت بحار و رونده گشت جبال
 بسا سرای که بامش همی بسود فلک
 بسا درخت که شاخش همی بسود هلال
 کسی که رسته شد از مویه گشته بود چو موی
 کسی که جسته شد از ناله گشته بود چو نال
 گذشت خواری لیک این از آن بود بدتر
 که هر زمان به زمین اندر اوفتد زلزال
 (قطران تبریزی، ۱۳۶۲: ۲۰۹)

فضای ترسیم شده توسط شاعر، فضایی دهشتناک است: زمین زیر و رو شده است. درختان خمیده و شکسته‌اند و زمین روان شده است. خانه‌ها ویران شده‌اند. آه و ناله از هر سوئی به آسمان بلند است. رفتگان، در هر سوئی خاموش و بی‌حرکت افتاده‌اند و برجای ماندگان، در هر گوشه‌ای آشفته و خاک‌آلود و ناآرام‌اند. قطران تبریزی در قصیدهٔ دیگری در بارهٔ همین زلزله با کلی‌گویی بیان می‌کند که همهٔ شهر در یک ساعت ویران می‌شود و همهٔ مردم می‌میرند که البته به نظر می‌رسد - حداقل در بارهٔ تعداد کشته‌ها - اغراق‌آمیز است:

شهری به دوصد سال برآورده به گردون
 خلقی به دوصد سال در او ساخته ایوان
 مردمش همه دست کشید از بر پروین
 باروش همه بارکشید از سرکیوان
 آن خلق همه گشت به یک ساعت مرده
 و آن شهر همه گشت به یک ساعت ویران
 (قطران تبریزی، ۱۳۶۲: ۲۴۹)

از نمونه‌های مناسب دیگر برای تحلیل آسیب‌های انسانی و اقتصادی در متون منظوم فارسی، قصیدهٔ سلمان ساوجی در بارهٔ خشکسالی ساوه است. این خشکسالی در اواسط قرن هشتم هجری قمری اتفاق افتاده است، هر چند که تاریخ دقیق آن مشخص نیست. شاعر در ابتدا از آبادانی ساوه قبل از وقوع خشکسالی می‌گوید:

ساوه شهری بود بل بحری پر از گوهر که بود
 اصل او را معجز مولود احمد یادگار
 هم نهاد خطه‌اش را زینت بیت الحرام
 هم سواد عرصه‌اش را رتبت دارالقرار
 باد او چون باد عیسی دلگشا و روح بخش
 آب او چون آب کوثر غمزدای و سازگار

خواجه‌گان مالدار معتبر در وی چنانک هر یکی را همچو قارون بود صد سرمایه‌دار
(سلمان ساوجی، ۱۳۷۱: ۲۳۶)

شاعر، شهری ثروتمند و خوش آب و هوا و امن را به تصویر می‌کشد که ساکنانش در آن
خوش و خرم و مسافران و غریبان در آن، در امنیت به سر می‌بردند. صرف نظر از اغراق‌های
شاعرانه، چون شاعر قصد دارد وضعیت شهر را در ایام خشکسالی و قحطی شرح دهد؛ لازم دیده
برای آنکه مقایسه قبل و بعد از بحران، برای خواننده امکان‌پذیر شود؛ به توصیف شهر، قبل از
بحران خشکسالی بپردازد. اما خشکسالی بر سر چنین شهر شاد و آباد و امن چه می‌آورد؟

خواجه شد بی اعتبار و مال شد مار سیه ای خداوندان مال، الاعتبار الاعتبار!
بقعه‌ای بینی چو دریا در توج از اضطراب مردمی دروی چو در دریا غریق اضطراب
قحط تا حدی که مرد از فرط بی قوتی چو شمع چشم خود را سوختی در آتش و بردی به کار
هر دم از شوق سر پستان مادر می‌گرفت در دهان پیکان خون آلود طفل شیرخوار
(سلمان ساوجی، ۱۳۷۱: ۲۳۶)

چنان به اقتصاد شهر ضربه می‌خورد که ثروتمندان شهر از اعتبار ساقط می‌شوند.
مردم در اضطراب و تشویش به سر می‌برند. معیشت مردم در تنگنا قرار می‌گیرد و
کودکان دچار گرسنگی و سوء تغذیه می‌شوند.

در متون منثور فارسی که دیگر مجال خیالپردازی‌های شاعرانه نیست، آسیب‌های
اقتصادی و انسانی حوادث و بلایای طبیعی بهتر نمود پیدا کرده است. مثلاً ناصر خسرو
در باره زلزله تبریز که ذکر آن رفت؛ این گونه می‌نویسد:

«مرا حکایت کردند که بدین شهر زلزله افتاد شب پنجشنبه هفدهم ربیع الاول سنه
اربع و ثلثین و اربعمائه و در ایام مستترقه بود پس از نماز خفتن بعضی از شهر خراب
شده بود و بعضی دیگر را آسیبی نرسیده بود و گفتند چهل هزار آدمی هلاک شده
بودند» (ناصر خسرو، ۱۳۳۵: ۶).

چنانکه ملاحظه می‌شود او از قول دیگران، هم تاریخ دقیق زلزله را بیان می‌کند و
هم به خسارات مادی و تلفات انسانی آن اشاره می‌کند.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که بیشتر آسیب‌های اقتصادی که از آنها در متون
فارسی تا قرن هشتم یاد شده است؛ به دلیل تأثیر بر معیشت مردم بوده است و

آسیب‌های اقتصادی ناشی از آثار سازه‌ای (مانند تخریب بناها) در رتبه دوم قرار می‌گیرد. آسیب بر معیشت مردم، اتفاقاً بخشی است که کمتر به چشم می‌آیند ولی در واقع، تأثیری ویران‌کننده دارند. یکی از این آثار مخرب، افزایش قیمت ارزاق و اجناس است که اقتصاد خانواده را به شدت تحت فشار قرار می‌دهد. مثلاً ناصر خسرو می‌نویسد:

«پنجم محرم سنه ثمان و ثلثین و اربعمائه دهم مرداد ماه سنه خمس عشر و اربعمائه از تاریخ فرس به جانب قزوین روانه شدم و به دیه قوهه رسیدم. قحط بود و آن جا یک من نان جو به دو درهم می‌دادند» (ناصر خسرو، ۱۳۳۵: ۴).

هم او در باره قحطی اصفهان که در اواسط قرن پنجم اتفاق افتاده است می‌نویسد:

«... و پیش از رسیدن ما قحطی عظیم افتاده بود اما چون ما آن جا رسیدیم جو می‌درویدند و یک من و نیم نان گندم به یک درم عدل و سه من نان جوین هم و مردم آن جا می‌گفتند هرگز بدین شهر هشت من نان کم تر به یک درم کس ندیده است» (ناصر خسرو، ۱۳۳۵: ۱۲۴).

در تاریخ سیستان نیز در باره قحطی قرن چهارم هجری قمری آمده است:

«و اندر سال سنه (کذا) اربع مائه، غله تنگ شد و قحط افتاد، و خرواری گندم به دویست و چهل درم شد، و مردمان را رنج رسید ...» (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۳۵۸).

جمال‌الدین اصفهانی نیز در باره خشکسالی و قحطی اصفهان که در قرن ششم هجری قمری اتفاق افتاده است؛ گران شدن ارزاق عمومی را این گونه در شعرش بازتاب می‌دهد:

نان چون مخدرات نهفته ز خلق روی گندم خلیفه وار گران قدر و تنگ بار
 نان شد به نرخ شیرین لیکن به طعم تلخ هم قرص منکسف شد و هم گرده کم عیار
 نان ناپدید گشته چو آب حیات و خلق هم چون سکندر از پی او گشته جان سپار
 (جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۲۰: ۱۹۳)

علاوه بر گران شدن ارزاق و اجناس، حوادث و بلاها با از بین بردن وسیله امرار معاش مردم، به آنان آسیب اقتصادی وارد می‌کند. بسیاری از حوادث و بلاهای طبیعی موجب از بین بردن احشام و محصولات کشاورزی می‌شوند که از وسایل اصلی امرار معاش مردمان هستند و در گذشته نیز بوده‌اند. مثلاً فردوسی در توصیف خشکسالی اتفاق افتاده در زمان

پیروز ساسانی می‌گوید:

هوا را دهان خشک چون خاک شد ز تنگی به جو آب تریاک شد
ز بس مردن مردم و چارپای پیی را ندیدند بر خاک جای
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۶)

ابوالفضل بیهقی این نوع از آسیب‌های اقتصادی را به زیبایی در توصیف سیل غزنین این گونه شرح می‌دهد:

«... گله‌داران بجستند و جان را گرفتند و همچنان استرداران، و سیل گاوان و استران را در ربود و به پل رسید ... و آب از فراز رودخانه آهنگ بالا داد و در بازارها افتاد، چنانکه بصرآفان رسید و بسیار زیان کرد؛ و بزرگتر هنر آن بود که پل را با دگانه‌ها از جای بکند و آب راه یافت. اما بسیار کاروانسرای که بر رسته وی بود، ویران کرد. و بازارها همه ناچیز شد ... و این سیل بزرگ مردمان را چندان زیان کرد که در حساب هیچ شمارگیر نیاید...» (بیهقی، ۱۳۶۰: ۴۱۱).

یافته‌های این پژوهش نشان داد در بین مخاطرات مختلف، بیشترین آسیب‌های انسانی و اقتصادی ناشی از حوادث و بلایا که در متون منتخب فارسی به آنها اشاره شده است؛ مربوط به خشکسالی است.

علاوه بر آسیب‌های جسمی، آسیب‌های روانشناختی نیز از آسیب‌های انسانی محسوب می‌شوند. در متون فارسی تا قرن هشتم، علاوه بر آثار فوری، از آثار درازمدت روانشناختی حوادث و بلایا گاه به اشاره ذکری به میان آمده است. مثلاً ابوالفضل بیهقی در توصیف وضعیت بحرانی ناشی از خشکسالی می‌نویسد:

«...امیر از آنجا حرکت کرد بر جانب سرخس، روز شنبه نوزدهم شعبان، و تا سرخس رسیدیم، در راه چندان ستور بیفتاد که آن را اندازه نبود. و مردم همی غمی و ستوه ماندند...» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۹۴۲).

غمگین بودن و افسردگی مردم و به ستوه آمدن آنان، از جمله آثار مهم درازمدت روانشناختی ناشی از حوادث و بلایاست.

یکی از یافته‌های این پژوهش که به نوعی جزء یافته‌های اکتشافی این تحقیق است و ما آن را در ذیل آسیب‌های انسانی جای داده‌ایم؛ آثار سوء اخلاقی ناشی از حوادث و

بلاياست. آثار مخرب اقتصادی حوادث و بلايا که موجب فقر و گرسنگی می‌شوند؛ می‌توانند بر رفتار انسان تأثیر بگذارند و در مواردی موجب آسیب‌های اخلاقی شوند. خشکسالی و زلزله، در رأس مخاطراتی است که در متون فارسی، آنها را به گونه‌ای موجب به وجود آمدن چنین آثاری دانسته‌اند. آثار سوء اخلاقی گاهی چیزی مانند از یاد بردن عزیزان و خودخواهی است. چنانکه قطران تبریزی در باره آثار سوء اخلاقی زلزله تبریز سروده است که:

مادر ز فزع یاد نیاورد ز فرزند عاشق ز جزع یاد نیاورد ز جانان
چون روز جزا آن نه همی خورد غم این چون روز پسین این نه همی خورد غم آن
(قطران تبریزی، ۱۳۶۲: ۲۴۹)

این آثار سوء می‌تواند چیزی باشد مانند آنچه جمال‌الدین اصفهانی در خصوص از بین رفتن مروت و کرم و تواضع و وقار در باره خشکسالی اصفهان گفته است:

نه با کسی مروت و نه با کسی کرم نه با کسی تواضع و نه با کسی وقار
(جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۲۰: ۱۹۳)

گاه این آثار سوء اخلاقی از این هم شدیدتر است و موجب سنگدلی مردم می‌شود:

هم خلق سنگ دل شده هم ابر سخت چشم هم باد آتشین دم و هم آب خاکسار
(جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۲۰: ۱۹۳)

و گاهی آثار سوء اخلاقی ناشی از حوادث و بلايا بسیار نامطلوب است. چنانکه قطران در باره زلزله تبریز می‌گوید:

آنانکه پر از نعمشان بد همه خانه آنانکه پر از خواسته‌شان بد همه دگان
امروز همی تن بفروشد به یک دانگ و امروز همی جان بفروشد به یک نان
(قطران تبریزی، ۱۳۶۲: ۲۴۹)

آسیب‌های زیست‌محیطی

آسیب‌های زیست‌محیطی، خودش را به گونه‌های آثار زمین‌شناختی، آب‌شناختی، هواشناختی و زیست‌شناختی نشان می‌دهد.

در متون فارسی تا قرن هشتم، آثار زمین‌شناختی حوادث و بلایای طبیعی چه در معنای واقعی آن و چه در شکل آرایه‌های ادبی، نمود یافته است. مثلاً یکی از تأثیراتی که زلزله بر محیط زیست می‌گذارد، ریزش کوه است، چنانکه نظامی می‌گوید:

و آن کوه که سیل از آن گریزد در زلزله بین که چون بریزد
(نظامی گنجوی، ۱۳۱۳: ۱۵۲)

هم او در نقل زلزله گنجه می‌گوید:

چنان لرزه افتاد بر کوه و دشت که گرد از گریبان گردون گذشت
زمین گشته چون آسمان بی‌قرار معلق زن از بازی روزگار
(نظامی گنجوی، ۱۳۶۳: ۲۰)

قطران نیز در زلزله تبریز تلویحاً از همین تغییر در محیط زیست سخن می‌گوید:

فراز گشت نشیب و نشیب گشت فراز رمال گشت جبال و جبال گشت رمال
(قطران تبریزی، ۱۳۶۲: ۲۰۹)

همین آثار زمین‌شناختی زلزله را که موجب آسیب‌های زیست‌محیطی می‌شود، در نقل رشیدالدین فضل‌الله همدانی از زلزله نیشابور نیز می‌بینیم:

«در نوزدهم صفر سنهٔ تسع و ستین و ستمائه، به وقت صبح زلزله به نیشابور بود، آن چنانکه از بیم زلزال در تصور نیامدی که در کوهها سنگی بر سنگی بماند، یا در دشتی کلوخی در عرصات هوا متفرق نگردد و مدت پانزده شبانه روز، هر ساعت زمین حرکت کردی» (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۳۸: ۶۶۵).

تنها زلزله نیست که سنگ‌ها را جا به جا می‌کند و موجب تغییر در محیط زیست و آسیب‌های زیست‌محیطی می‌شود. سیل نیز چنین می‌کند:

نوروز که سیل در کمر می‌گردد سنگ از سر کوهسار در می‌گردد
(سعدی، ۱۳۸۵: ۱۰۲۳)

و علاوه بر این، سیل رودخانه را نیز خراب می‌کند:

آن رودکده که جای آبست از سیل نگر که چون خرابست
(نظامی گنجوی، ۱۳۱۳: ۱۵۲)

از آثار دیگر که باعث آسیب‌های زیست‌محیطی می‌شود؛ آثار آب‌شناختی است. ایجاد

موج در دریا، از آثار آب‌شناختی زلزله است. قطران در زلزله تبریز اشاره‌ای به دمنده (طوفانی) شدن دریاها می‌کند که یا اشاره‌ای واقعی است و یا استعاری. به هر حال چنین اشاره‌ای دال بر توجه او به این اثر زلزله است:

دریده گشت زمین و خمیده گشت درخت دمنده گشت بحار و رونده گشت جبال
(قطران تبریزی، ۱۳۶۲: ۲۰۹)

از آسیب‌های زیست محیطی خشکسالی نیز در گزارش ناصر خسرو از خشکسالی مکه، چنین می‌خوانیم:

«... آب چاه‌های مکه همه شور و تلخ باشد چنان که نتوان خورد اما حوض‌ها و مصانع بزرگ بسیار کرده‌اند که هر یک از آن به مقدار ده هزار دینار برآمده باشد و آن وقت به آب باران که از دره‌ها فرو می‌آید پر می‌کرده‌اند و در آن تاریخ که ما آن جا بودیم تهی بودند...» (ناصر خسرو، ۱۳۳۵: ۸۹).

در متون فارسی تا قرن هشتم، کمترین توجه، به آثار هواشناختی حوادث و بلایای طبیعی شده است. در نمونه‌های منتخب، فقط یک مورد از این آثار وجود دارد که در گزارش نظامی از زلزله گنجه آمده است که در آن به گرد و خاکی که از زمین به آسمان بلند شده است؛ اشاره می‌کند:

چنان لرزه افتاد بر کوه و دشت که گرد از گریبان گردون گذشت
(نظامی گنجوی، ۱۳۶۳: ۲۰)

از آثار دیگری که موجب آسیب‌های زیست‌محیطی در حوادث و بلایای طبیعی می‌شوند؛ آثار زیست‌شناختی است. در متون فارسی تا قرن هشتم، این آثار، گاه از نوع از بین رفتن درختان و پوشش گیاهی است، چنانکه قطران تبریزی در زلزله تبریز از آن یاد می‌کند:

دریده گشت زمین و خمیده گشت درخت دمنده گشت بحار و رونده گشت جبال
بسا سرای که بامش همی بسود فلک بسا درخت که شاخش همی بسود هلال
کزان درخت نمانده کنون مگر آثار وز آن سرای نمانده کنون مگر اطلال
(قطران تبریزی، ۱۳۶۲: ۲۰۹)

این آثار، گاه از نوع از بین بردن جانوران در محیط زیست آنهاست، چنانکه کمال‌الدین

اسماعیل در بارهٔ برف می‌گوید:

ناگه فتاد لرزه بر اطراف روزگار از چه؟ ز بیم تاختن ناگهان برف
گشتند ناامید همه جانور ز جان با جان کوهسار چو پیوست جان برف
(کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۴۰۸)

در مجموع، در متون فارسی تا قرن هشتم، زلزله به عنوان مهمترین عامل آسیب‌های زیست‌محیطی در حوادث و بلایا ذکر شده است.

اقدامات مربوط به مدیریت آسیب‌های ناشی از حوادث و بلایا

یافته‌های این پژوهش نشان داد بیشترین توجهی که به اقدامات مربوط به مدیریت آسیب‌ها در حوادث و بلایا در متون منتخب فارسی تا قرن هشتم شده است؛ معطوف به مرحلهٔ پاسخ است. از این لحاظ، توجه به مرحلهٔ بازیابی، در رتبهٔ بعدی قرار می‌گیرد. این پژوهش همچنین نشان داد در متون فارسی تا قرن هشتم، برای مدیریت آسیب‌های ناشی از حوادث و بلایا، کمترین توجه به پیشگیری و کاهش آثار مخرب بلایا و آمادگی شده است.

مثلاً تمام اقداماتی که از زبان فردوسی در خصوص اقدامات پیروز ساسانی در مواجهه با خشکسالی بیان شده است؛ از جنس پاسخ است:

شهنشاه ایران چو دید آن شگفت خراج و گزیت از جهان بر گرفت
به هر سو که انبار بودش نهان ببخشید بر کهران و مهان
خروشی برآمد ز درگاه شاه که ای نامداران با دستگاه
غله هرچ دارید پیدا کنید ز دینار پیروز گنج آگنید
هر آنکس که دارد نهانی غله و گر گاو و گر گوسفند و گله
به نرخی فروشد که او را هواست که از خوردنی جانور بی‌نواست
به هر کارداری و خودکامه‌ای فرستاد تازان یکی نامه‌ای
که انبارها برکشایند باز به گیتی برآنکس که هستش نیاز
کسی گر بمیرد بنیافت نان ز برنا و از پیرمرد و زنان
بریزم ز تن خون انباردار کجا کار یزدان گرفتست خوار
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۶)

همه این اقدامات، بعد از بروز خشکسالی و در حین آن انجام شده است. ویژگی مخاطره خشکسالی آن است که به تدریج به وقوع می‌پیوندد و به مدت طولانی ادامه می‌یابد. بنابراین، اقداماتی که به عنوان پاسخ به آن صورت می‌گیرد؛ عملاً با مرحله بازیابی تداخل پیدا می‌کند. حذف مالیات، گشودن انبارها، خرید غلات و احشام و مجازات محتکران، همه اقداماتی از جنس پاسخ هستند. بی‌شک اگر پادشاه و مشاورانش، تفکر پیشگیرانه و رویکرد آمادگی می‌داشتند؛ همان سال اول که نشانه‌های خشکسالی هویدا شده بود؛ باید خود را برای سال‌های پیش رو آماده می‌کردند. در نمونه‌های بررسی شده متون فارسی در این پژوهش، در چند مورد به اقدام پیشگیرانه اشاره شده است. سه مورد آن که صراحت بیشتری دارند؛ همه از زبان سعدی است:

علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد / دریغ سود ندارد چو رفت کار از دست
 به روزگار سلامت سلاح جنگ بساز / و گرنه سیل چو بگرفت، سد نشاید بست
 (سعدی، ۱۳۹۴: ۹۵)

مصراع «علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد»، بهترین بیان برای رویکرد پیشگیرانه است. تأکید بر اینکه در ایامی که هنوز هیچ اتفاقی نیفتاده است (روزگار سلامت)، باید دست به اقدام زد و برای سیلی که در آینده ممکن است اتفاق بیفتد؛ سدسازی کرد؛ به بهترین وجه، ماهیت اقدام پیشگیرانه و رویکرد کاهش آثار مخرب بلایا را نشان می‌دهد.
 و یا:

بیند ای پسر دجله در آب کاست / که سودی ندارد چو سیلاب خاست
 (سعدی، ۱۳۵۹: ۸۱)

که صرف نظر از معنای کنایی‌اش، اشاره به اقدام پیشگیرانه قبل از وقوع سیل دارد.
 و همچنین:

تو اول نبستی که سرچشمه بود / چو سیلاب شد پیش بستن چه سود؟
 (سعدی، ۱۳۵۹: ۱۴۷)

که در واقع، به نوعی انتقاد از رویکرد پاسخ‌مدارانه به جای رویکرد پیشگیرانه است. اقدام‌های پاسخ‌محور در خشکسالی، پرننگ‌تر از سایر مخاطرات در متون فارسی آمده

است. شاید علت چنین تأکیدی آن باشد که خشکسالی و قحطی، مخاطره طبیعی اصلی در روزگار گذشته بوده است.

در بین مخاطرات مورد مطالعه در این پژوهش، اقدام بازیابی در مدیریت آسیب‌ها که در متون منتخب فارسی به آنها اشاره شده است؛ بیشتر مربوط به زلزله است و در بین انواع اقدامات بازیابی، بیشترین موردی که در متون منتخب فارسی به آنها اشاره شده است؛ مربوط به بازیابی سازه‌ای است. مثلاً:

به کم مدت آن مرز ویرانه بوم	به فر وی آبادتر شد ز روم
در آن رخنه منگر که از پیچ و تاب	شد از مملکت دور اکنون خراب
نگر تا بدین شاه گردون سریر	دگر باره چون شد عمارت پذیر
گلین بارویش را زبس برگ و ساز	به دیوار زرین بدل کرد باز
برآراست ویرانه‌ای را به گنج	به تیماری از مملکت برد رنج
ز هر گنجی انگیخت صد گونه باغ	برافروخت بر خامه‌ای صد چراغ
چو ز آبادی آن ملک را نور داد	خرابی ز درگاه او دور باد

در تمام این توصیف منظوم که در باره بازیابی سازه‌ای شهر ویرانه‌ای است که در اثر زلزله خراب شده است؛ فقط در یک مصراع اشاره‌ای به بازیابی روانشناختی دارد که می‌گوید: « به تیماری از مملکت برد رنج». به بازیابی اقتصادی (معیشتی) و اجتماعی تقریباً هیچ توجهی صورت نگرفته است.

در نمونه‌های منتخب، تقریباً در تمام موارد، بازیابی سازه‌ای، به حاکمیت نسبت داده شده است. این رویکرد را به روشنی در گزارشی که در بالا از نظامی نقل شده است؛ می‌توان دید. تمام بازسازی شهر به سلطان نسبت داده شده و هر آبادانی که بعد از خرابی، به وجود آمده ناشی از اراده حکومت است. چنین رویکردی، هنوز هم در بسیاری از کشورها که نظام مدیریتی متمرکز دارند؛ رویکرد غالب است.

نتیجه‌گیری

حوادث و بلایای طبیعی از دیرباز به جوامع انسانی آسیب رسانده است. این آسیب‌ها در متون ادبی و غیرادبی، به گونه‌های مختلف، بازتاب یافته است. از آنجا که جان و مال، تقریباً

محور تمامی فعالیت‌های انسانی است؛ طبیعتاً توجه به آسیب‌های انسانی و اقتصادی بیشترین توجه را در این متون به خود اختصاص داده است. این واقعیت هنوز هم محور اصلی فعالیت‌های نظریه‌پردازان، سیاستگذاران و کنشگران عرصه کاهش خطر بلایاست. توجه بیشتر به پاسخ در متون فارسی تا قرن هشتم، نشان از یک ذهنیت تاریخی در افراد جامعه دارد که معمولاً قبل از وقوع حوادث و بلایای طبیعی، اقدامی برای پیشگیری انجام نمی‌دهند. به عبارت دیگر، افراد منتظر می‌مانند تا اتفاقی بیفتد و بعد به فکر چاره بیفتند. بازیابی که بیشتر در شکل بازسازی سازه‌های مورد توجه قرار گرفته است؛ در رتبه بعدی اقدامات مربوط به مدیریت آسیب‌های ناشی از حوادث و بلایای طبیعی در متون فارسی است. توجه به بازسازی سازه‌های نیز بازتاب‌دهنده همان ذهنیت پاسخ‌محور است. نقطه مقابل این ذهنیت، تفکر پیشگیرانه و توجه به کاهش آثار مخرب بلایا و همچنین آمادگی است که در متون فارسی تا قرن هشتم، کمترین توجه به آن‌ها شده است.

به نظر می‌رسد رویکرد پاسخ‌محور جامعه ما به حوادث و بلایای طبیعی، ریشه در ذهنیتی تاریخی دارد که در متون فارسی تا قرن هشتم، انعکاس یافته است. درک روشمند و عمیق این ذهنیت تاریخی می‌تواند به نظریه‌پردازان در فهم عمیق‌تر رفتارهای کنونی مردم و مدیران در حوادث و بلایای کشور کمک کند. برای تغییر این رفتارها در جهت مطلوب که منجر به کاهش خطر بلایا شود؛ باید به بنیان‌های جهان‌شناختی آنها نیز توجه کرد که می‌تواند موضوع پژوهشی مستقل باشد.

پی‌نوشت

1. Natural Hazard

۲. کاهش آثار مخرب بلایا (Mitigation): عبارت است از کاهش و محدود ساختن آثار سوء مخاطرات و بلایای مربوط. به عبارت دیگر، امکان پیشگیری کامل از اثرات سوء مخاطرات معمولاً مقدور نیست، اما دامنه و شدت آنها با اتخاذ راهبردها و اقدامات گوناگون به میزان قابل توجهی قابل تخفیف است (UNISDR, ۲۰۰۹: ۱۹).
۳. آمادگی (Preparedness) عبارت است از دانش و ظرفیت ایجاد شده به منظور پیش‌بینی، پاسخ، بازیابی آثار محتمل مخاطرات یا شرایط قریب الوقوع یا موجود

(UNISDR، ۲۰۰۹: ۲۱).

۴. پاسخ (Response) عبارت است از تامین خدمات فوری و کمک رسانی به عموم در حین یا بلافاصله بعد از یک بلا به منظور حفظ جان، کاهش اثرات سوء بر سلامت، اطمینان از ایمنی عمومی و رفع نیازهای حداقل و پایه مردم آسیب دیده (UNISDR، ۲۰۰۹: ۲۴).

۵. بازیابی (Recovery) عبارت است از ترمیم و بهبود تسهیلات، معیشت و شرایط زندگی جوامع متاثر از بلایا (UNISDR، ۲۰۰۹).

6. Purposive Sampling



منابع

- بلعمی، ابوعلی محمد (۱۳۸۷) تاریخ بلعمی، به تصحیح محمد تقی بهار، به کوشش محمد پروین گنابادی، تهران، کتاب هرمس.
- بلوری، مریم، مختاری نوری (۱۳۹۷) «بازتاب روحی و روانی بلاای طبیعی در متون ادبی قرون چهارم تا هشتم هجری»، فصلنامه علمی- تخصصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۹۰) تاریخبیهقی، بهکوششخلیلخطیبرهبر، تهران، مهتاب.
- تاریخسیستان (۱۳۶۶) به تصحیح ملک الشعرا بهار، به همت محمد رضانی، تهران، خاور.
- جمال الدین اصفهانی، محمد بن عبدالرزاق (۱۳۲۰) دیوان، به تصحیح وحید دستگردی، تهران، ارمغان.
- جهانگیری، کتایون (۱۳۸۸) اصول و مبانی مدیریت بحران، تهران، مؤسسه آموزش عالی هلال ایران.
- دبیرخانه راهبرد بین المللی کاهش بلایا (۱۳۹۲) واژه‌شناسی کاهش خطر بلایا، ترجمه علی اردلان، محمدحسینرجائی، سیدعلی آذین، تهران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۵۹) بوستان، به تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی.
- (۱۳۸۵) کلیات سعدی، به تصحیح محمد علی فروغی، تهران، هرمس.
- (۱۳۹۴) مواعظ، به تصحیح محمدعلی فروغی، تهران، میردشتی.
- سلمان ساوجی (۱۳۷۱) دیوان، به تصحیح ابوالقاسم حالت، تهران، ما.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد محدود بن آدم (۱۳۶۲) دیوان، به همت مدرس رضوی، تهران، سنایی.
- (۱۳۸۰) طریق‌التحقیق، به همت علی مؤذنی، تهران، آیه.
- شعبانی، امامعلی، مهرعلی تبار، حمیده (۱۳۹۲) «حوادث و بلاای طبیعی در قرون میانی ایران»، مجله تاریخ اجتماعی، سال سوم، ۱۳۹۲.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶) شاهنامه، دفتر هفتم، به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی.
- قطران تبریزی، ابومنصور (۱۳۶۲) دیوان، از روی نسخه تصحیح شده محمد نخجوانی، تهران، ققنوس.
- کسای، کامران (۱۳۷۵) «حوادث و رویدادهای طبیعی در ادبیات منظوم از رودکی تا بهار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب.
- کمال الدین اسماعیل اصفهانی، ابوالفضل (۱۳۴۸) دیوان خلاق المعانی، به اهتمام حسین مجدالعلومی، تهران، دهخدا.
- ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۳۵) سفرنامه، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابفروشی زوار.
- نظامی گنجوی (۱۳۱۳) لیلی و مجنون، به تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران، مطبوعه ارمغان

تحلیل بازتاب آسیب‌های ناشی از حوادث ...؛ مهدی نجفی و همکاران/ ۷۵

----- (۱۳۶۳) اقبال‌نامه، به همت ف بابایوف، تهران، میر (گوتنبرگ).
همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۸۸)، به کوشش دکتر بهمن کریمی، تهران، اقبال.

United Nations International Strategy for Disaster Reduction (UNISDR)
Terminology on disaster risk reduction, 2009 ,

